

آثار تربیتی تشویق و تنبیه در کودکان

فاطمه یوسفی صالح آباد^۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱

چکیده

بررسی آثار تشویق و تنبیه یکی از عوامل اساسی در تربیت صحیح فرزندان می باشد؛ چرا که عامل مهم شکل گیری شخصیت افراد و تکامل جامعه، تربیت صحیح است. کودکانی مهم ترین دوران شکل گیری شخصیت فرد است. به همین جهت تربیت در دوران کودکی اهمیت ویژه ای دارد. پس اگر والدین و مسئولین با آثار تربیتی تشویق و تنبیه آنها باشند بهتر می توانند از تشویق و تنبیه بجا در تربیت فرزندان بهره ببرند تا فرزندان بتوانند در همه ابعاد زندگی شان اعم از فردی، اجتماعی، دینی و اخلاقی موفق باشند و حتی می توان از بسیاری از انحراف هایی که ایشان را تهدید می کند، جلوگیری کرد و همین تربیت صحیح است که زمینه ساز انتخاب مسیر صحیح در زندگی و رسیدن به سعادت مندی و موفقیت باشد. این مقاله با هدف آثار تربیتی تشویق و تنبیه در کودکان انجام شد. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کیفی بوده و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. برای جمع آوری اطلاعات نیز از روش کتابخانه ای استفاده شده است. در ابتدا به مفهوم شناسی دو واژه تشویق و تنبیه پرداخته شد. سپس جایگاه و اهمیت تشویق و تنبیه بیان شد. در انتها نیز به بررسی آثار تربیتی تشویق و تنبیه کودکان پرداخته شد. از جمله آثار تشویق کودکان می توان به جلوگیری از انحراف، شکوفایی نبوغ و استعداد کودک، اعتماد به نفس، تقویت روحیه، و ... اشاره کرد. اصلاح رفتار، یافتن راه صواب، اثر بخشی فوری، تضعیف رفتار و ایجاد بیداری نیز از جمله آثار تنبیه در کودکان است.

واژه های کلیدی: تربیت، تشویق، تنبیه، کودک.

^۶ دانش پژوه سطح ۲ حوزه علمیه خواران، fatemeh13_65@gmail.com

مقدمه

تربیت کودک یکی از مهم‌ترین نکاتی است که والدین و مربیان باید دقت داشته باشند. تربیت یکی از اهداف عالی پیامبران است. انسان به وسیله تزکیه و تربیت صحیح می‌تواند پله‌های موفقیت و انسانیت را پیماید و افراد موفق‌تری که خدمت ارزنده‌ای به جامعه ارائه کرده‌اند، از تربیت صحیح برخوردار بودند.

کودکی مهم‌ترین دوران شکل‌گیری شخصیت فرد است. به همین جهت تربیت در دوران کودکی اهمیت ویژه‌ای دارد. از عوامل مهم و اساسی در تربیت، مسأله تشویق و تنبیه است. بدون شک تشویق و تنبیه نقش اساسی در هدایت کودک بسوی اخلاق پسندیده و رفتار مطلوب و باز داشتن او از اعمال ناشایست ایفا می‌کند. نکته مهم این است که تشویق و تنبیه در فرایند تربیت و نیز کنترل رفتاری کودک، باید با برنامه‌ای از پیش طراحی شده و متناسب با روحیات کودک باشد. استفاده صحیح و بجای روش‌های تشویق و تنبیه می‌تواند آثار مفیدی در تربیت فرزندان داشته باشد.

والدین باید توجه داشته باشند که استفاده نادرست از تشویق و تنبیه نه تنها مؤثر واقع نمی‌شود، بلکه ممکن است آثار نامطلوبی نیز به همراه داشته باشد. اگر والدین و مسئولین امر تربیت کودکان، آثار تشویق و تنبیه را در روح و روان کودک در شکل‌گیری شخصیت او بدانند با اطلاع بیشتر و به موقع و صحیح از روش تشویق و تنبیه در امر تربیت کودکان استفاده خواهند کرد.

با توجه به اهمیت تشبیه و تنبیه در کودکان، پژوهش حاضر با هدف بررسی آثار تربیتی تشویق و تنبیه در کودکان انجام شده است. اگر آثار تشویق و تنبیه که یکی از فراگیرترین روش‌های تربیتی است مشخص شود، اهمیت این روش تربیتی برای همگان به ویژه متولیان تربیت روشن می‌گردد که این مسئله نشان‌دهنده اهمیت پژوهش حاضر است.

مفهوم شناسی

مفهوم تشویق

تشویق در فرهنگ معین به معنای «آرزومند کردن و به شوق افکندن راغب ساختن که جمع آن تشویقات است» (معین، فرهنگ فارسی معین، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۹۷). اما از نظر اصطلاحی: تشویق، شوق به انجام کار و ایجاد انگیزه در فرد برای ادامه انجام اعمال است و تشوق، یعنی آرزو مند شدن و آرزو مندی؛ یعنی کودک را امیدوار به عملی کنیم که باعث جلب رضایت او برای اعمال آینده اش شود (پرهیزگار، تشویق و تنبیه کودکان، ۱۳۸۳: ص ۶۲).

تشویق را «عاملی که بتواند منشأ ایجاد ذوق و شوق، تحریک و امید علاقه در انسان شود»، ذکر کردند و در جای دیگر «تشویق را نوعی ارضای نیازهای روانی و فیزیکی انسان» دانسته اند (عبداللهی، نماز و شکوفه های زندگی، ۱۳۷۹: ص ۹۶). همچنین آمده است که پس از انجام رفتارهای مطلوب، معمولاً با انجام کاری که برای کودک خوشایند است، سعی می کنیم این رفتار را در او افزایش داده یا تثبیت کنیم (سالاری فر، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، ۱۳۸۹: ص ۱۳۷).

تشویق، یعنی ایجاد شوق و رغبت در کسی برای انجام کاری، و بها دادن به شخص و قدردانی از کار ارزنده ای که انجام داده و ارج نهادن به صفت خوبی که دارد. تشویق و تحسین، از بهترین عوامل تربیتی، و وسیله ای مناسب برای شکوفایی استعدادهاست و باعث رشد و افزایش نیکی ها و اعمال صالح و فضائل انسانی می شود (مظاهری، هشدارهای تربیتی، ۱۳۷۶: ص ۸۶).

مفهوم تنبیه

تنبیه یعنی بیدار کردن، هوشیار ساختن، آگاه کردن، واقف کردن، مجازات کردن، ادب کردن و جمع آن تنبیهات است (معین، فرهنگ فارسی معین، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۲۵۱). در خصوص تنبیه متأسفانه بد برداشت می شود و غالباً آن را معادل با کتک زدن و زندانی نمودن می دانند و حال آن که چنین نیست. گاهی افراد تحت تأثیر عوامل مختلف حالت فراموشی و غفلت پیدا می کنند باید آن را بیدار کرد، این بیداری به صورت مختلف امکان پذیر است.

فقط در مواردی خاص شاید به کتک نیاز پیدا شود. و حال آن که اگر در ابتدای کار دقت لازم وجود داشته باشد و از راه‌های دیگر تنبیه استفاده گردد اصولاً و در غالب موارد به مرحله کتک نخواهیم رسید (اسدی گرمارودی، درس‌هایی از تربیت انسانی، ۱۳۷۳: ص ۸۵).

تنبیه را بازخورد طبیعی اشتباهات کودکان می‌دانند. در حالی که این افراد فراموش کرده‌اند که تنبیه یک حالت استثنایی در کار تربیتی است و از اصول و قوانین تربیت محسوب نمی‌شود. و بعضی هم تنبیه را به عنوان یک امر ضروری در کار تربیتی می‌دانند (مرسی، پدر و مادر بهترین مربیان دنیا، ۱۳۹۰: ص ۱۳۶).

جایگاه تشویق در تربیت کودک

نه تنها کودکان، بلکه شاید بتوان گفت همه انسان‌ها نیازمند تشویق هستند، حداقل از تشویق خشنود می‌شوند، از این رو نیاز به تشویق، نیازی همیشگی بوده و این تصور نادرست است که چون فرزندان بزرگ می‌شوند، بنا بر این نیازی به تشویق ندارند. بلکه همه انسان‌های معمولی در همه مراحل زندگی به گونه‌ای نیازمند تشویق و تمجید هستند (قاسمی، بهشت زندگی، ۱۳۸۵: ص ۱۶۶).

از تمایلات فطری فرزندان این است که از تشویق لذت می‌برند و بر تشویق دیگران رشک می‌ورزند، وقتی می‌بینند، فرد دیگری مورد تشویق قرار می‌گیرد، دوست دارند جای او باشند... بنا بر این با توجه به جایگاه ارزشمند تشویق، باید به بهترین شیوه از آن برای گرایش دادن کودکان به اخلاق و فعالیت‌های ارزشمند، استفاده کرد.

در صورت انجام تشویق صحیح، گاه مسیر زندگی کودک تغییر می‌کند و او به خاطر آن تشویق برای همیشه، در زندگی راه درست را انتخاب می‌کند و به سعادت می‌رسد (همان).

در تربیت اسلامی نیز افراد نیکوکار و افراد تبهکار یکسان به مار نرفته‌اند. از نیکوکاری تحسین و تعریف به عمل آورده و از تبهکاری مذمت شده است. به نی‌کوکاران وعده پاداش نیک داده شده و برای بدکاران عذاب و کیفر اخروی مقرر گشته است.

قرآن از وعد و وعید، بشارت و انداز موج می زند، لیکن در تربیت اسلامی بر تشویق، بیش از تنبیه تکیه شده است. همه بشارت های ریاقرآن به منظور تشویق نیکوکاران نازل شده است (امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۴۲۹).

کودکان از تشویق و تحسین خوششان می آید. یکی از مایه های شادی و کار کردن با کودکان، مشاهده خشنودی و غرور بی اختیار و آزادانه در چهره آن ها، در زمانی است که در کاری موفق می شوند و ما نشان می دهیم که متوجه موفقیت آنان شده ایم. تقریباً در مورد همه کودکان، این موضوع مصداق دارد که تحسین، انگیزش و تشویق، خیلی بیشتر از تنبیه و عیب جویی می تواند رفتاری را در کودک به وجود بیاورد که بزرگ سالان خواهان آن هستند. احتمالاً بیشتر افراد متوجه این نکته شده اند که تحسین و تشویق - یا حتی وعده آن - در مقایسه با تنبیه و تحقیر اثرات بهتری به بار می آورد (هارتلی بروئر، ایجاد و انگیزه در کودکان، ۱۳۹۰: ص ۱۶۱).

در دین مبین اسلام نیز روی مسأله تشویق روی سفارش و تأکید بسیار شده است. تشویق باعث تقویت روحیه افراد و ایجاد انگیزه برای دیگران می شود و اثرش در اجتماع بروز می کند.

قرآن کریم می فرماید که «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا...» «کسی که یک عمل صالح انجام دهد، در مقابل، ده برابر آن پاداش خواهد داشت. در این آیه، خداوند متعال هم تشویق به عمل نیک می کند و هم انسان ها را ترغیب به این می کند که اگر یک کار نیک انجام دادند اثرش را مشاهده می کنند و دیگر اینکه ایجاد انگیزه جهت انجام اعمال نیک از طرف دیگران می نماید تا از یکدیگر سبقت بگیرند.

همان طور که قرآن در کلام نورانی خود همیشه انسان ها را روحیه می بخشد و میدان عمل را برای انسان ها وسیع و انسان ها را وعده به پاداش می دهد، روایات هم نقش خود را در کنار آیات قرآن ایفا کرده، ائمه (علیهم السلام) هم انسان ها را تشویق و ترغیب کرده، در

اثر تربیتی تشویق و تنبیه در کودکان

واقع قرآن و سنت نقطه نظرشان به یک کلام بر می گردد و آن دوری از عذاب و دعوت به بهشت است (پرهیزگار، تشویق و تنبیه کودکان، ۱۳۸۳: ص ۱۳۳).

جایگاه تنبیه در تربیت

یکی از روش‌هایی که در تربیت از آن استفاده می شود، تنبیه است. تنبیه همگام با تشویق، از زمان‌های قدیم در بین اولیاء و مربیان اطفال و همه مسئولین و نهادهای تربیتی معمول بوده و در این زمان نیز کم یا بیش معمول است. لیکن روش مذکور در زمان اخیر، به وسیله دانشمندان تعلیم و تربیت و روان‌شناسان جدید، شدیداً مورد نقد وضع قرار گرفته است (امینی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۵).

اسلام تنبیه را به عنوان یک وسیله تربیتی پذیرفته و انجام آن را در بعضی مواقع مفید بلکه گاهی لازم می داند، اما تذکر این نکته لازم است که تنبیهاات اسلامی به منظور تشفی خاطر و انتقام جویی از مجرم انجام نمی گیرد. بلکه جعل و اجرای آن به منظور تأمین حقوق افراد و امنیت اجتماعی و جلوگیری از هرج و مرج است و اهداف تربیتی را نیز تأمین می نماید. هدف اسلام از تنبیه و مجازات مجرم، آگاه ساختن و هشدار دادن به او و سایر افراد جامعه است به این صورت که کار خلاف تبعات و عواقب دردناکی را به همراه دارد و باید از آن اجتناب نماید (همان).

اسلام در باب تنبیه دیدگاه خاصی دارد که از هرگونه افراط و تفریط به دور است و بیه شیوه اعتدالی، تنبیه را در برخی موارد به شکل محدود، برای اصلاح رفتارهای نامطلوب و با شروطی می پذیرد.

از نظر اسلام تنبیه به عنوان یک روش احتیاطی و استثنایی تلقی می شود. ولی همان گونه که تأمین نیازهای جسمی کودک لازم است، پرورش قوای فکری، عقلانی، روحی، عاطفی و مذهبی کودک هم از اهم وظایف اولیاء می باشد و تلاش اولیاء و مربیان در کمک به ایجاد فضائل اخلاقی و اجتماعی در کودک مانند صداقت، پاکدامنی، مراعات نظم، و خلاصه آنچه به انسانیت انسان مربوط است، ضرورت دارد که گاهی توفیق در تحقق این امور

نیازمند مراتبی از تأدیب است. بنا بر این تأدیب و تنبیه یک روش تربیتی اولی نیست تا در تمام حالات و موقعیت ها از آن استفاده گردد و از آن نتیجه مطلوب گرفته شود. تنبیهیک روش تربیتی ثانویه است که از لحاظ دینی و ارزشی، متأخر از همه روش های اصلاح رفتار کودک است؛ یعنی اگر تمام روش های متناسب در موقعیت های گوناگون برای تغییر و اصلاح رفتار کودک به کار گرفته شد و نتیجه مطلوب حاصل نگردید، می توان از روش تنبیه استفاده کرد (وزیری، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن، ۱۳۸۴: ص ۳۲۴).

آثار تربیتی تشویق

بشارت و تشویق بخش مهمی از انگیزه های تربیتی و حرکت های اجتماعی را تشکیل می دهند در این صورت انسان آمادگی بیشتری برای پیمودن راه تکامل پیدا می کند. برخی از کارشناسان تعلیم و تربیت پس از آزمایش های دقیق روانی به این نتیجه رسیدند که امید به پاداش، بیش از ترس از کیفر، ادمی را به یادگیری وا می دارد و تشویق بیش از توبیخ موجبات پیشرفت علمی و تربیتی را فراهم می آورد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۴۲۵). در ادامه به آثار تشویق در کودکان اشاره می شود:

جلوگیری از انحراف

گاه یک تشویق به جا و حکیمانه و ساده ممکن است مسیر زندگی کودک را عوض کند و او را از بدکاری ها و انحرافات نجات بخشد. بی شک ریشه بسیاری از انحرافات اخلاقی جوانان هر جامعه، از محیط خانوادگی سرچشمه می گیرد، عقده هایی که در درون خانه برای کودکان و نوجوانان ایجاد می شود، به صورت عصیان ها و انحرافات اجتماعی بروز می کند. فرزند وقتی می بیند دائماً در محیط خانه به او توهین و جسارت می شود و مورد تحقیر قرار می گیرد، شخصیت او لگدکوب می شود و مسلماً برای تأمین نیاز روحی خود به کسی که احترام و شخصیت به او دهد اگر چه دسته و گروه های منحرف باشد پاسخ مثبت می دهد (غرویان، تربیت فرزند بانشاط و سالم، ۱۳۸۳: ص ۱۰۷).

بسیاری از گروه‌ها و باندهای انحرافی نخست از راه شخصیت دادن به نوجوانان کم سن و سال وارد می‌شوند و آنان را به سوی خود جذب می‌کنند.

شکوفایی نبوغ و استعداد کودک

تشویق، استعداد های درونی کودکان را رشد داده و قوای درونی اش را به فعالیت می‌رساند و زمینه های یأس و ناامیدی و بدبینی را در آن‌ها از بین می‌برد (فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۲۱۳-۳۱۷).

همچنین موجبات شکوفایی و خلاقیت‌های ذهنی کودک را فراهم می‌آورد و قدرت یادگیری، سازگاری شخصی و مهارت های اجتماعی کودکان را بیشتر می‌کند. در این صورت است که بخش قابل توجه از توفیقات دانش آموزان در امر تحصیل، مرهون تشویق های بجا و به موقع والدین و مربیان است. بنابراین با این روش، کودک به توانایی و ظرفیت های خود پی می‌برد.

مهم ترین دلیل اهمیت بارور شدن استعداد در دوران کودکی، این است که قلب کودک، در این دوران خالی است و هنوز به سیاهی و پلیدی گناهان آلوده نشده است و می‌توان آن را عرش الرحمنی کرد (محسن فرمهینی فراهانی، نقش تشویق در تربیت کودک با نگاهی به نهج البلاغه، ۱۳۸۳).

اعتماد به نفس

علاوه بر مسأله عزت نفس و بلندی همت که از آثار مثبت تشویق کودکان محسوب می‌شود، اعتماد به نفس و روی پای خود ایستادن در زمینه های مختلف زندگی نیز از جمله این آثار است. اساس این اعتماد به نفس در دوران کودکی و به دست پدر و مادر پی‌ریزی می‌شود. انسان با شخصیت، خود تصمیم می‌گیرد و هرگز چشم امید به دیگران را ندارد، و در برابر دیگران هرگز زانو نمی‌زند. در محیط خانه و در زندگی اجتماعی هرگز دچار خود باختگی در برابر بیگانگان نمی‌شود و برای جامعه و ملت خود نیز هویت و شخصیت مستقلی قائل است. اعتماد به نفس از عوامل موفقیت فرد در زندگی فردی و اجتماعی است؛ زیرا

تشویق کردن کودک، احساس ارزشمند بودن را در او بر می انگیزاند. کودک احساس می کند توان انجام کارهای بهتری دارد؛ چون می بیند شما موفقیت های او را قبول دارید و تلاش او را ارج می نهید (غروی، تربیت فرزند بانشاط و سالم، ۱۳۸۳: ص ۱۰۸).

احیای شخصیت

تشویق حکیمانه و احترام به کودک، فرزند را با استقلال اراده و اعتماد به نفس بار می آورد و او را یک انسان با شخصیت می سازد. کودکی که از اول ارزش خویش را درک کند روزی که بزرگ شد یک عضو مستقل اجتماع است. خود را زبون و فرومایه نمی بیند، پستی و حقارت در حریم فکر او راه ندارد برای این که اطفال مستقل و متکی به نفس بار آیند و دچار فرومایگی نشوند، لازم است والدین از دوران کودکی به این امر مهم توجه کنند و با رفتار و گفتار خویش شخصیت را در فرزندان پرورش دهند. و با آنان طوری رفتار نمایند که کودکان استقلال خود را باور کنند و خویشان را عضو حقیقی خانواده بدانند. یکی از بهترین و طبیعی ترین راه احیای شخصیت در اطفال، احترام به کودک و خودداری از توهین و تحقیر کودک است. پیشوایان گرامی اسلام علاوه بر اینکه در بیانات خود راه پرورش صحیح کودک را به مردم آموخته اند عملاً نیز آن برنامه ها را مورد تربیت فرزندان خود بکار برده و آنان را با بهترین صفات پسندیده پرورش داده اند (فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۹۱-۱۰۳).

ایجاد انگیزه

تشویق کودکان برای انجام فعالیت های مثبت و پاداش دادن پس از انجام آن هاف باعث ایجاد انگیزه و تحرک در آن ها خواهد شد و جو رقابتی خوبی در میان آن ها پدید خواهد آورد؛ اما فرزندان که مورد تشویق قرار نمی گیرند، اغلب دچار شکست روحی می شوند و اعتماد به نفس خود را از دست داده، خود را پست و حقیر می شمارند و جرئت دست زدن به کارهای خوب را در خود نمی یابند.

تقویت روحیه

تشویق موجب تقویت روحی فرزندان می‌شود و نیروی تازه‌ای به آن‌ها می‌بخشد تا بتوانند با اعتماد به نفس و پشت‌گرمی بیشتر کارهای خوب و مورد علاقه خود را دنبال کنند و به اهمیت آن‌ها بیش از پیش پی ببرند (عیسی زاده، خانواده قرآنی، ۱۳۹۱: ص ۱۲۳).

جلب محبت و اعتماد کودک

یکی از مؤثرترین راه‌های تشویق، محبت و ورزیدن به کودک است با محبت به فرزند می‌توان علاقه او را به دست آورد و در نتیجه کودک به کسی که به او محبت می‌کند، اعتماد و اطمینان می‌یابد و از او حرف شنوی دارد و از این راه، زمینه تربیت‌های بعدی فراهم خواهد شد (مرسی، پدر و مادر بهترین مریبان دنیا، ۱۳۹۰: ص ۱۱۱).

احساس امنیت عاطفی

یکی از نیازهای مهم کودک، احساس امنیت عاطفی است. احساس امنیت از طریق تمجید و تحسین کودک و محبت و ورزیدن به او حاصل می‌شود. کودک باید احساس کند که پدر و مادر و اطرافیان او صمیمانه دوستش دارند و او را به عنوان یک فرد تأیید می‌کنند. او در صورتی می‌تواند نگرشی مثبت و پایدار نسبت به زندگی داشته باشد که محبت و تأیید پایدار و یکنواختی از طرف خانواده دریافت کند. بنابر این پدر و مادر و سایر اعضای خانواده، باید مراقب باشند این نیاز کودک را برآورده سازند و با بذل محبت به کودک، امنیت روانی و نیاز عاطفی او را بر طرف سازند. رفع نیازهای طبیعی کودک - به ویژه نیاز او به تشویق و محبت - او را از عوارض نامطلوب کمبود محبت مصون داشته، در حالت اعتدال روحی و روانی قرار خواهد داد (عارفی، آثار تربیتی محبت به کودک، ۱۳۹۳).

عزت نفس و بلندی طبع

از دیگر آثار تشویق عزت نفس و بلندی طبع است. بسیار اتفاق افتاده است با افرادی برخورد می‌کنید که بسیار کوتاه بین و دون‌همت اند به قول معروف صرفاً جلو پایشان را می‌بینند، به کوچک‌ها قانع می‌شوند و برای یک خواسته کم ارزش از هر نوع چاپلوسی و

تملق استفاده می کنند. غالباً این افراد کسانی هستند که به اصطلاح عامیانه عزت نفس ندارند، و منبع الطبع نیستند (غرویان، تربیت فرزند بانشاط و سالم، ۱۳۸۳: ص ۱۰۸).

بدون شك باید گفت برخوردارهای اولیه والدین در کودکی از عوامل مهم پیدایش این صفت به شمار می روند، اگر والدین از ابتدا با توهین و تحقیر کودک، روحیه ذلت و زبونی را در او تزریق کنند، مسلماً در آینده نتیجه ای جز این نخواهد داشت. به عکس اگر کودک از ابتدای کودکی در دامن والدین، از نظر روحی و نیاز به شخصیت داشتن و محترم بودن، کاملاً تأمین شده باشد در آینده نیز طبعی بلند و همتی والا خواهد داشت و از عزت نفس برخوردار خواهد بود، و این است ثمره نیکو تربیت نمودن یک پدر و مادر دلسوز (همان).

ایجاد ارتباط سالم بین مربی و کودک

تشویق بجا و حکیمانه موجب ارتباط سالم بین مربی و کودک می شود. یکی از امور لازم و مهم در فرآیند تربیت، ایجاد ارتباط عاطفی و سالم بین مربی و کودک است، چرا که تنها در سایه ی چنین ارتباطی مربی می تواند، به امر تربیت پردازد و کودک هم آمادگی بیشتری برای پذیرش آموزه های تربیتی از سوی مربی خواهد داشت. اگر تربیت کودک بر اساس تشویق صحیح انجام گیرد باعث استقرار و توسعه روابط صمیمانه بین افراد و گروه ها می شود. مشخص است که طبیعی ترین و بهترین نوع رابطه آن است که بر اساس محبت و تشویق شکل بگیرد (علیخانی، سرچشمه محبت، ۱۳۹۰: ص ۱۵۱).

به همین جهت است که خداوند در قرآن کریم، سخن خود را با محبت و ابراز آن آغاز کرده است «بسم الله الرحمن الرحیم؛ بنام خدایی که بخشنده و مهربان است». این دو وصف از مهم ترین اوصاف الهی است که ما در نمازهای روزانه خود، سی بار آن ها را تکرار می کنیم (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۳۶). بدون شك آغاز کلام خداوند با محبت و مهربانی نسبت به بندگان او، یک نوع رابطه ی محبت آمیز متقابل را شکل می دهد.

بنابراین می‌توان گفت زبان ارتباط با انسانه، به ویژه کودکان، باید زبان محبت باشد، با خشونت و با بی‌محبتی نمی‌توان کسی را تربیت کرد. زیرا آن چه در تربیت نقش اساسی دارد و بسیار ضروری و لازم است، تربیت‌پذیری کودک و حرف شنوی او از مربی است، و این امر تنها در صورتی میسر است که ارتباط محبت‌آمیز بین مربی و کودک برقرار شود، چنان که امام علیه (علیه السلام) در این رابطه می‌فرماید: «و اعلم یا بنیّ انه من لانت کلمته و جبت محته و طبیعیّ ان نجد کل محبوب مسموع الکلام؛ فرزندانم بدان کسی که سخنش نرم است، باید او را دوست داشت و طبیعی است که کلام هر محبوبی، گوش کردنی است» (عارفی، آثار تربیتی محبت به کودک، ۱۳۹۳).

خوش بینی نسبت به والدین

تشویق کودکان توسط پدر و مادر و اطرافیان و مربیان باعث می‌شود کودکان با نظری خوب و خوش بینانه به آنها بنگرند و آنها را دوست و همدم و یار صمیمی خود تلقی کنند و این خود ثمرات بسیاری در بر دارد (مرسی، پدر و مادر بهترین مربیان دنیا، ۱۳۹۰: ص ۱۱۰).

تکرار و تداوم عمل

وقتی رفتارهای مطلوب و موفقیت‌آمیز بچه‌ها مورد تأیید و تشویق قرار می‌گیرد؛ کمیت و تداوم این قبیل رفتارها افزایش می‌یابد. این امر در سه سال اول زندگی، مهم‌تر و مؤثرتر است؛ زیرا سن تحریک‌پذیری است و این شیوه در تربیت و اصلاح او و ترقیات طبیعتش سهم فوق‌العاده دارد. به طور کلی این روش عاملی برای استحکام بخشیدن به رفتار و محرکی نیرومند و دلپذیر برای کار و فعالیت کودک است (محسن فرمهینی فراهانی، نقش تشویق در تربیت کودک با نگاهی به نهج البلاغه، ۱۳۹۳).

امام علی (علیه السلام) درباره ارزش تداوم کار می‌فرماید: «قلیلٌ مدومٌ علیه خیر من کثیر مملول منه» (چیز اندک که با اشتیاق تداوم یابد، بهتر از فراوانی است که رنج آور باشد) (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۴)

ارضای نیازهای طبیعی کودک

رفع و ارضای نیاز طبیعی در کودک افزون بر اینکه او را از پیامدهای ارضا نشدن آن مصون می‌دارد، در او حالت اعدال روحی - روانی پدید می‌آورد (حسینی، روابط سالم در خانواده، ۱۳۸۶: ص ۹۰).

تشویق و تمجید بعضی از نیازهای اساسی را برطرف می‌کند، به گونه‌ای که کودکان همان طور که باید به طرز مناسبی تغذیه شوند و لباس بپوشند به این نیاز دارند که: کسی برای آنها اهمیت و احترام قائل شود، باور کنند که کسی نسبت به آنان متعهد است و به اندازه کافی دلسوز آنهاست و به شادی آنها فکر می‌کند، آنان باید احساس کنند که دوست داشتنی هستند. آنان باید به صورتی روشن و مثبت، راهنمایی شوند تا بدانند که چگونه باید زندگی خود را اداره کنند، آنان نیاز دارند که بدانند چه کاری را باید انجام دهند، نه این که چه کاری را نباید انجام دهند.

همچنین آنان نیاز دارند بشنوند که موجب خوشحالی والدینشان شده‌اند و دوست دارند سعی و تلاش زیاد آنها مورد توجه والدینشان قرار بگیرد. کودکانی که به آنها بی‌اعتنایی می‌شود، نمی‌توانند حس کنند که عزیز شمرده می‌شوند، زیرا مورد توجه قرار نمی‌گیرند. کودکانی که فقط هنگامی وجودشان احساس می‌شود که مورد انتقاد باشند و فقط پیام‌هایی منفی درباره رفتار خود می‌شنوند، آنها یاد می‌گیرند که چه کاری را نباید انجام دهند، ولی نمی‌دانند چه کارهایی را باید انجام دهند. برای بسیاری از والدین سخت است که از فرزند خود تعریف کنند، بعضی‌ها صرفاً نمی‌دانند که چه تعریف یا تحسینی از او کنند، برخی دیگر از ابراز تعریف و تمجید احساس ناراحتی می‌کنند و یا اکراه دارند (پیرهادی، معجزه تشویق، اثرات تشویق بر تربیت دانش‌آموزان، ۱۳۹۳).

ایجاد روحیه مقاومت و صبر در برابر مشکلات

از دیگر آثار تشویق ایجاد روحیه مقاومت و صبر است، زیرا شخص می‌خواهد رضایت افراد را به دست آورد و به تحسین و تشویق آنها دست یابد و در این راه هر گونه

سختی حاضر است تحمل کند (پیرهادی، معجزه تشویق، اثرات تشویق بر تربیت دانش آموزان، ۱۳۹۳). کودک در پرتو تشویق یاد می‌گیرد که مشکلات و سختی‌ها را بر خود هموار سازد تا هدف مطلوب خود را دنبال کند و تداوم تشویق به تداوم فعالیت‌های رشد دهنده‌ی کودک می‌انجامد (مرسی، پدر و مادر بهترین مربیان دنیا، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱).

جهت‌دهی اعمال و کردار

از نفوذ و قدرت تشویق می‌توان برای جهت‌دهی اعمال و کردار کودک استفاده کرد؛ چراکه برای پیشرفت تحصیلی و حتی رشد اخلاقی کودکان بسیار مؤثر است و همچنین سبب شکل‌گیری عادات مطلوب در آنان می‌شود. به عبارت دیگر، از آنجاکه از طریق رفتارهای تشویق‌آمیز، بیش از هر چیز به یک نیاز مهم کودکان، یعنی نیاز به محبت، تعلق و توجه، پاسخ داده می‌شود؛ می‌توان شاهد بیشترین، مؤثرترین و پایدارترین اثر در رفتار آنان بود. این روش، مشوق به اعمال نیک و فضایل اخلاقی و عامل بازدارنده از رذایل اخلاقی تلقی می‌شود موجبات رشد و کمال انسان‌ها و تنبه و آگاهی دیگران و نیز هدایت صحیحشان را در پی دارد و یک وسیله بالقوه مفید و کارساز در به‌کار بردن انضباط است (افروز، چکیده ای از: روانشناسی تربیتی - کاربردی، ۱۳۷۹: ص ۱۸۳).

ارائه فکر و نظر

بسیار دیده ایم در یک مسأله اجتماعی راجع به مدرسه، خانه، شهر، کشور و... وقتی از افراد نظر خواهی می‌شود، بعضی کاملاً ساکت‌اند و یا فقط نگاهشان به دیگران است که ببینند آنان چگونه نظر می‌دهند تا آن‌ها نیز همان را تقلید کنند، اما گروهی هستند که سعی می‌کنند فکر و طرح و نظری را ارائه کنند و در آن زمینه ساکت نباشند (غرویان، تربیت فرزند بانشاط و سالم، ۱۳۸۳: ص ۱۰۹).

ریشه این دو حالت نیز به محیط خانوادگی و تربیت‌های اولیه افراد بر می‌گردد، انسانی که از ابتدای کودکی هرگز مجال ارائه نظر و فکر نیافته است و همواره مورد سرکوب قرار گرفته، در سنین بالاتر انگیزه‌ای برای تفکر نداشته‌ف در خود استقلالی نمی‌بیند و خود

را وابسته به دیگران می یابد در مقابل انسانی که در محیط خانوادگی همواره مورد احترام بوده و به فکر و نظر او اعتنا شده است، در سنین بالاتر نیز همواره انگیزه ای برای بیان فکر و نظر خود دارد و هرگز احساس وابستگی به دیگران نمی کند (همان).

تشویق محرک قدرتمند

تشویق می تواند مولد انرژی و محرک کار و تلاش بیشتری برای افراد گردد؛ به طوری که قوی ترین انگیزه برای کار بیشتر، در انسان و حتی حیوان است.

وقتی فرد احساس می کند که کارش مفید بوده و در عین حال سود بخش استف با قدرت و نیروی بیشتری به کار خواهد پرداخت و چه بسا این کار نیک از عادات نیکویی گردد که شخص در صورت عدم انجام آن احساس کمبود و ناراحتی می کند (محسن فر مهبینی فراهانی، نقش تشویق در تربیت کودک با نگاهی به نهج البلاغه، ۱۳۹۳).

حضرت علی (علیه السلام) به مالک اشتر فرمود: «و اصل فی حسن الثناء علیهم، تعدیدما ابلی ذوو البلاء منهم؛ فإن کثره الذکر لحسن أفعالهم تهز الشجاع، و تحرض التاکل إن شاء الله» آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویقتشان نما و کارهای مهمی را که انجام داده اند، بر شمار؛ زیرا یاد کردن کارهای نیک آنان، دلیری شان را (به کوشش و حرکت بیشتر) برانگیزاند و از کارمانده را به خواست خدا (به کار و تلاش)، ترغیب کند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

عامل شادابی و نشاط

محبت عامل شادابی و نشاط است. والدین هر چه به فرزند بیشتر محبت کند به شادمانی خاطر او بیشتر مدد رسانده و او را بیشتر دلخوش ساخته است. کودکی که در محیط گرم محبت پرورش می یابد روانی شاد و دلی آرام و با نشاط دارد. به زندگی امیدوار و دل گرم بوده و خود را در این جهان پرآشوب تنها و بی کس نمی داند، تا به دنبال تعادل و آرامش نفسانی خویش را از دست بدهد. در پرتو محبت، صفات عالی انسانیت، عواطف و

احساسات کودک نیز به خوبی پرورش می‌یابد و نتیجه آن، پرورش انسانی متعادل خواهد بود (هاشمی، ۱۳۹۳).

آثار تنبیه

تنبیه و مجازات عاملی برای انبیا و وسیله‌ای برای اصلاح و بازسازی و نوعی تدبیر مفید تربیتی است که در حد خود به شرطی که به اندازه و به موقع بکار گرفته شود. اثرات سریع آن می‌تواند زود گذر و یا پابرجا باشد. زودگذر است به شرطی که بی مقدمه و نسنجیده باشد. پابرجاست به شرطی که مقدمات و مراحل آن طی شده و از روی حساب باشد. کودکی که به هیچ وجه از عقوبت نترسد و مزه خشم و کی‌فر والدین را نچشد و یا از آنان وحشت نداشته باشد، آبدیده و فردی نکته‌سنج نخواهد بود. فردی می‌شود خودخواه و خود مدار، بدون هدف، دارای هدفی در راه حفظ نظرات و منافع خویش، تحمیل کننده و پرتوقع و... (معماریان، کوتاه‌ترین راه تربیت، ۱۳۸۵: ص ۸۲).

تنبیه وسیله‌ای است برای بیدار کردن، هشدار دادن، تحریک جهت آگاهی از وضع خود و تجدید نظر درباره آینده خویش. تنبیه اگر شرافت‌مندانه و مبتنی بر عدالت و خیر خواهی باشد بسیار سازنده است. آدمی را به تجدید نظر درباره اعمال و رفتار خود و می‌دارد. در حالی که اگر خلاف آن باشد عقده ساز است و چیزی جز آن به بار نخواهد آورد (همان).

در ادامه فواید تنبیه بجا و مناسب بیان شده است:

اصلاح رفتار

تنبیه این فایده را به همراه دارد که کودک را سر عقل می‌آورد و او در می‌یابد که عمل خطایی را مرتکب شده و از تکرار آن باید خودداری کند. بر اساس اصل شرطی شدن، کودک رابطه‌ای بین عمل و کیفر می‌یابد، می‌فهمد هر باری که عمل ناروایی را انجام دهد، باید زجر و رنج آن را هم تحمل کند، و به این نتیجه می‌رسد که سودش در ترک آن عمل است.

یافتن راه صواب

گاهی تنبیه می تواند وسیله ای باشد برای یافتن راه صواب. یعنی کودک به این نتیجه می رسد که این راه قابل تکرار نیست و باید شیوه دیگری را در پیش گرفت، راه دیگری که از تنبیه مصون باشد.

اثر بخشی فوری

از فواید دیگر تنبیه اثر بخشی فوری آن بر روی فرد است. کودکی را در نظر بگیرید که در خانه یا مدرسه شرارت می کند، مزاحم دیگران است، سر و صدا به راه انداخته، و برای دیگران صدمه آفریده است، با لجبازی های خود در خانه آتش افروخته و برای دیگران رنج می آفریند. شاید شور و آشوب که او به پا کرده اجازه نمی دهد که کودک به خود آید و دست از عمل نا روایش بردارد. در چنین صورتی یک تنبیه بدنی حساب شده، می تواند محیطی را ساکت و آرام کند. جلوی آشوب و آتش افروزی های او را بگیرد. و مجالی برای مربی پدید آورد، که بتواند اوضاع را سر و سامان دهد و یا حرف خود را بزند.

تضعیف رفتار

تنبیه در مواردی می تواند نقش ضعیف کننده ای را برای رفتار کودک ایفا کند، و کودک تدریجا نسبت به آن رفتار بی اعتنا شده و از بدی رفتار خود بکاهد.

ایجاد بیداری

تنبیه، گاهی آدمی را به خود آورده و بیدار می کند، به عبارت دیگر عامل هشدار دهنده و بیداری آفرین است. عواقب سوء و نامیمون عمل و تداوم ارتکاب، و عوارض سوئی که در انتظارش است او را بیدار و متنبه می کند (اکبری، نقش تنبیه در تربیت از دیدگاه اسلام، ۱۳۸۷).

نتیجه گیری

تشویق صحیح و مناسب آثاری از جمله شکوفایی استعداد، ایجاد انگیزه، تقویت روحیه، اعتماد به نفس کودک در پی دارد. ولی اگر به طور صحیح صورت نپذیرد موجب

اثر تنبیه مثبت و تدریس در کودکان

سلطه جو شدن و پرتوقعی، از خودراضی شدن، طفیلی بار آمدن او می شود. تنبیه هم مثل تشویق اگر بجا و به موقع انجام شود موجب اصلاح رفتار، یافتن راه صواب و ایجاد بیداری می شود، و تنبیه نابجا هم عامل لجبازی، خشونت، آزار رساندن به دیگران، تقویت روحیه انتقام گیری و... می گردد؛ پس لازم است برای تربیت صحیح فرزند والدین با آثار تشویق و تنبیه آشنا گردند. این مقاله در راستای دستیابی به این هدف به بیان آثار تربینی تشویق و تنبیه در کودکان پرداخته است.

ذکر این نکته ضروری است که توجه به آثار تشویق و تنبیه می تواند در بکارگیری بجا و صحیح آن ها مؤثر باشد. با توجه به جایگاه و آثار تربیتی تشویق و تنبیه، باید از بهترین شیوه از آن برای سوق دادن کودکان به اخلاق و فعالیت های ارزشمند استفاده کرد و در صورت تشویق صحیح، مسیر زندگی کودک تغییر می کند و راه مطلوب را انتخاب می کند و به سعادت می رسد. تشویق با اینکه آثار تربیتی بسیاری دارد و مقدم بر تنبیه است؛ افراط در آن و یا عدم بکارگیری صحیح آن پیامدهایی در تربیت فرزندان دارد. در ضمن اینکه باید دانست تنبیه هم در شرایط خاص خود برای تربیت فرزند لازم و کارساز است. تنبیه وسیله ایست که باعث ایجاد بیداری و اصلاح رفتار شده و اثر بخشی فوری دارد. پس اگر والدین و مسئولین با آثار تربیتی تشویق و تنبیه آشنا باشند فرزند در همه ابعاد زندگی اش اعم از فردی، اجتماعی، دینی و اخلاقی موفق خواهد بود و حتی می توان از بسیاری از انحراف هایی که او را تهدید می کند، جلوگیری کرد و این امر موجب می شود کودک به سعادت و کمال واقعی خود برسد.

فهرست منابع

۱. افروز، غلامعلی، «چکیده ای از: روانشناسی تربیتی - کاربردی»، چ ۵، نشر سازمان انجمن اولیاء و مربیان، تهران، ۱۳۷۹.
۲. اسدی گرمارودی، محمد، «درس هایی از تربیت انسانی»، چ ۱، مرکز نشر فرهنگی رجاء، قم، ۱۳۷۳.

۳. اکبری، مهنوش، «نقش تنبیه در تربیت از دیدگاه اسلام»، پیام زن، ش ۲۰۱، ۱۳۸۷.
۴. امینی، آیت الله ابراهیم، «اسلام و تعلیم و تربیت»، ج ۲، چ ۳، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۴.
۵. پرهیزگار، علی اکبر، «تشویق و تنبیه کودکان»، انتشارات پیام دبیر، قم، ۱۳۸۳.
۶. پیر هادی، معصومه توان دشتی، «معجزه تشویق، اثرات تشویق بر تربیت دانش آموزان»، سایت، تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۶ www.magiran.com
۷. حسینی، داوود، «روابط سالم در خانواده»، چ ۲۲، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶.
۸. سالاری فر، محمد رضا، «درآمدی بر نظام خانواده در اسلام»، چ ۴، نشر هاجر، قم، ۱۳۸۹.
۹. عارفی، محمد یونس، «آثار تربیتی محبت به کودک»، سایت، تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۶ www.hawzah.net
۱۰. علیخانی، مصطفی؛ «سرچشمه محبت»، چ ۲، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۰.
۱۱. عبداللهی، ابوطالب، «نماز و شکوفه های زندگی»، چاپ ۱، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، قم، ۱۳۷۹.
۱۲. عیسی زاده، عیسی، «خانواده قرآنی»، چ ۳، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۱.
۱۳. غرویوان، محسن، «تربیت فرزند بانشاط و سالم»، چ ۱۳، انتشارات احمدیه، قم، ۱۳۸۳.

۱۴. فلسفی، محمد تقی، «کودک از نظر وراثت و تربیت»، ج ۲، چ ۱۲، دفتر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.
۱۵. قاسمی، محمد علی، «بهشت زندگی»، چ ۱، انتشارات حضور، قم، ۱۳۸۵.
۱۶. مظاهری، علی اکبر، «هشدارهای تربیتی»، چ ۴، مؤسسه انتشارات هجرت، قم، ۱۳۷۶.
۱۷. معین، محمد، «فرهنگ فارسی معین»، ج ۱، چ ۳، انتشارات سرایش، تهران، ۱۳۸۰.
۱۸. مرسی، محمد سعید، «پدر و مادر بهترین میان دنیا»، چ ۱، انتشارات آراس، سنندج، ۱۳۹۰.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، ج ۱، چ ۱۷، نشر دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.
۲۰. معماریان، سعید، «کوتاه ترین راه تربیت»، چ ۱، انتشارات رایزن، تهران، ۱۳۸۵.
۲۱. محسن فرمهینی فراهانی، «نقش تشویق در تربیت کودک با نگاهی به نهج البلاغه»، سایت، تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۶ www.pombo.ir
۲۲. وزیری، مجید، «حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن»، چ ۱، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۴.
۲۳. هارتلی بروئر، الیزابت، «ایجاد و انگیزه در کودکان»، چ ۳، انتشارات جوانه رشد، تهران، ۱۳۹۰.
۲۴. هاشمی، سید ناصر، ۱۳۹۳/۱۲/۶، سایت: www.bsharat.com